

تحلیل تأثیر مبادلات قاچاق بر
احساس امنیت اجتماعی و روانی

نریمان یوسفی^۱

پروفسور، گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نریمان یوسفی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و رئیس گروه آمارهای نیروی انسانی مرکز آمار ایران
Nyosofi@yahoo.com

چکیده

مقوله امنیت به منزله یک نیاز و ضرورت برای بقا و پیش نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود و به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، کار ویژه حکومت‌ها در جامعه مدرن امروزی استقرار امنیت است. به عقیده متخصصین، احساس امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که امنیت، و چه بسا احساس امنیت مهم‌تر از خود امنیت است، چرا که علاوه بر دامنه شمول، واکنش‌های افراد به میزان ادراک آنان از امنیت در جامعه بستگی دارد. هر چند عوامل مختلفی احساس امنیت را تحت الشعاع قرار می‌دهند، اما در نوشتار حاضر صرفاً مکانیزم‌های تأثیرگذاری مبادلات قاجاق بر احساس ناامنی اجتماعی و روانی تشریح می‌شود. برای این منظور با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع موجود تلاش شده است که به این سوال پاسخ داده شود که احساس امنیت اجتماعی و روانی شهروندان چگونه از مبادلات قاجاق متأثر می‌شود؟ نتایج نشان می‌دهد که مبادلات قاجاق به صورت مستقیم و غیرمستقیم احساس امنیت اجتماعی و روانی را به چالش می‌کشد. ضمن اینکه تأثیر مستقیم مبادلات قاجاق بر ناامنی صریح و بدون ابهام (در زمینه‌هایی از جمله اشتغال، سلامت و ...) است، به واسطه تهدید نظم اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی به طور عام و کاهش اعتماد اجتماعی به طور خاص، ناامنی در سطح جامعه شیوع می‌یابد. به گونه‌ای که در این حالت حتی افرادی که به صورت عینی ناامنی ناشی از مبادلات قاجاق را تجربه نکرده‌اند به لحاظ ذهنی درگیر ناامنی مترتب بر آن خواهند شد.

کلید واژه‌ها: مبادلات قاجاق، امنیت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، سرمایه

اجتماعی، ترس

مقدمه و بیان مسأله

مقوله امنیت انسان و جوامع انسانی از ابتدای خلقت به منزله یک نیاز و ضرورت برای بقا مطرح بوده و در دوران مدرن اهمیت آن افزایش یافته، که به تعبیر برخی از صاحب نظران کار ویژه حکومت‌ها در جامعه مدرن امری استقراری است. امنیت، پیش‌نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده و با سطح پیشرفت جوامع در ارتباط است. بدون شک، نیاز به امنیت و احساس امنیت اجتماعی لازمه حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و همه دولت‌ها و جوامع برای فراهم کردن آن در تلاش هستند. این امر در جوامع در حال توسعه که با انواع بحران‌ها و چالش‌های مستمر ناشی از توسعه‌نیافتگی و بی‌ثباتی ساختارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند، نقشی تعیین‌کننده و مهم خواهد داشت. در ارتباط با اهمیت و نقش امنیت در جامعه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. مقوله امنیت و فقدان تهدید از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند آدمیان را در پرتو آن به ذکر و عبادت فراخوانده است (حاجلو، ۱۳۹۰، ۶۱).
۲. امنیت و احساس امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت، از حقوق اساسی و شهروندی مردم محسوب می‌شود.
۳. رشد و شکوفایی استعدادها، خلاقیت و فعالیت‌های ارزشمند در یک جامعه بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نیست و اصولاً انسان برای رسیدن به موفقیت در زندگی و رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآورده شدن نیازهای زیستی به امنیت و احساس امنیت نیازمند است و این نیاز به‌عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل دهنده شخصیت قلمداد می‌شود. تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند هیچ پیشرفتی در ساختار شخصیتی خود نخواهد داشت. در سایه ناامنی اجتماعی، سایه آسیب‌های اجتماعی بر هر جامعه‌ای سنگینی خواهد کرد و میزان رضایت از زندگی تنزل خواهد یافت و انزوا و افسردگی، جایگزین شادی و نشاط خواهد شد (نصیری، ۱۳۸۱، ۶).

۴. امنیت استحقاق طبیعی هر فرد و نخستین شرط تداوم زندگی و همزیستی است و همانطور که نیاز به غذا، مسکن و ... برای حیات ضروری است، امنیت نیز کالایی عمومی و ضروری است. به گونه‌ای که در نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو بافاصله پس از نیازهای اساسی و فیزیولوژیک مطرح است (یاری، ۱۳۹۱، ۲۰).

۵. به تاسی از مازلو، ارضای نیازهای ایمنی، احساس ذهنی مثبتی را به دنبال دارد و منجر به احساس جسارت و شجاعت بیش‌تر و تسلط فرد بر شرایط محیطی می‌شود.

۶. به عقیده متخصصین احساس امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که امنیت و چه بسا احساس امنیت مهم‌تر از خود امنیت است، چرا که واکنش‌های فرد در جامعه به میزان ادراک وی از امنیت بستگی دارد. از آنجایی که احساس امنیت بعد ذهنی مقوله امنیت است، می‌توان گفت به نوعی کلیه وجوه امنیت را در خود مستتر دارد.

۷. رفاه بدون احساس امنیت بی‌معنی است.

۸. امنیت یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌یافتگی است. بنابراین، مطالعه رابطه مبادلات قاچاق و امنیت اجتماعی از آن‌رو ضروری است که مبادلات قاچاق به‌عنوان جرم اقتصادی اثرات ضد توسعه‌ای خود را بر امنیت و احساس امنیت اجتماعی بر جای خواهد گذاشت.

در مقابل و به نقل از ویسکا، ترس از ناامنی می‌تواند منجر به تأثیرات روان‌شناختی گسترده‌ای همانند اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و نارضایتی از زندگی شود. مبادلات قاچاق ممکن است تعدادی را به‌صورت مستقیم متأثر سازد، اما همین پدیده ممکن است تعداد بسیار زیادی را بترساند (احساس ناامنی). همچنین، کلمنت و کلیمن معتقدند که ترس از ناامنی در رفتارهای ضد اجتماعی متبلور می‌شود و صفات نیک انسانی همانند اعتماد، تعاون، احساس تعلق به جامعه و رضایت اجتماعی را زایل می‌کند. در شرایط ناامنی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و افزایش جرم به‌عنوان

نشانه‌هایی برای ضعف آن تلقی می‌شوند (یاری، ۱۳۹۱، ۲۰). از جمله پیامدهای دیگر نبود احساس امنیت اجتماعی این است که شخص را در حال تلاطم و به هم ریختگی سوخت و ساز بدن قرار می‌دهد و منجر به بیماری‌های جسمی و روانی می‌شود (بایبری، ۱۳۹۴، ۷۶).

از حیث تجربی، افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی حاکی از آن است که امنیت و به تبع آن احساس امنیت در ایران در وضعیت رضایت‌بخشی قرار ندارد. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیقی در مورد بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، حاکی از آن است که فقط ۹/۷ درصد از پاسخگویان میزان احساس امنیت خود را در شهر تهران زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مقابل ۶۱/۰ درصد از آنها این میزان را کم و بسیار کم و ۲۹/۲ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند (امیرکافی، ۱۳۸۸).

هر چند عوامل مختلفی مقوله امنیت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، اما مبادلات قاچاق به‌عنوان یک جرم اقتصادی می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم احساس امنیت اجتماعی و روانی را متأثر سازد. اگر چه پژوهشی دقیق با این عنوان یا عناوین مشابه به بررسی نقش مبادلات قاچاق بر احساس امنیت اجتماعی و روانی نپرداخته است، اما با تاسی از ایده رابطه نظری جرم و تأثیر آن بر احساس امنیت، می‌توان در باب تأثیر مبادلات قاچاق بر احساس امنیت تأمل کرد. به‌عنوان مثال، گزارش مرکز افکار سنجی ناجا (به نقل از حاجلو، ۱۳۹۰، ۶۱) مبین این است که احساس امنیت در جامعه، به عوامل ایجادکننده ناامنی (شامل احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود شرایط جرم‌خیز و میزان مخاطره‌آمیز بودن شرایط و موقعیت‌هایی که هر فرد در طول زندگی با آن‌ها برخورد می‌کند) و عوامل تامین‌کننده امنیت که مربوط به توانایی و عملکرد نهادهای تامین‌کننده امنیت به‌ویژه نیروی انتظامی و قوه قضاییه است، بر می‌گردد.

هر چند کنش قاچاق به‌عنوان یک جرم در ایران سابقه طولانی دارد، اما در دهه گذشته حجم مبادلات قاچاق در کشور افزایش یافته است. بررسی برآوردهای آماری

مربوط به حجم کشفیات قاچاق نشان می دهد که در سال های گذشته کشفیات قاچاق روند رو به رشدی را تجربه کرده است، به گونه ای که در سال ۱۳۸۲ برآورد ارزش کل پرونده های قاچاق ۱۴۸۱/۸ میلیارد ریال بوده و بعد از یک دهه در سال ۱۳۹۳ این عدد ۲۸۷۳۴/۴ میلیارد ریال برآورد شده است (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز). در این بین وقوع مبادلات قاچاق به عنوان یک کنش اقتصادی هنجارشکن و جرم اقتصادی می تواند به صورت بالقوه و بالفعل امنیت اجتماعی و روانی شهروندان را به مخاطره بیاندازد. از این رو، این مقاله در پی آن است تا به این سوال پاسخ دهد: احساس امنیت اجتماعی و روانی شهروندان چگونه از مبادلات قاچاق متأثر می شود؟

تعاریف و مبانی نظری

مبادلات قاچاق:

با وجود اینکه مکاتب و دیدگاه های مختلف تعاریف متفاوتی از جرم ارائه کرده اند، لری جی سیگل^۱، جرم را زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی رفتاری می داند. این قوانین به وسیله افرادی که قدرت سیاسی و اجتماعی را در دست دارند، وضع شده است (چلبی، ۱۳۸۵، ۹).

به طور کلی جرایم در چهار دسته تقسیم بندی می شوند:

۱. جرایم خشونت آمیز^۲، از جمله قتل، سرقت مسلحانه و ...
۲. جرایم مالی^۳ شامل اعمالی که برخلاف قانون جنایی بوده و مبتنی بر کسب سود یا اضرار به مال غیر، مثل سرقت، خیانت در امانت، صدور چک بی محل و ...
۳. جرایم یقه سفیدان و سازمان یافته^۴ شامل فعالیت های غیرقانونی افرادی که در بخش های مرفه تر جامعه هستند. جرایم سازمان یافته به فعالیت های هماهنگی اطلاق

1. Larry J. Siegel
2. violent crimes
3. property crimes
4. white -color and organized crimes

می‌شود که بسیاری از ویژگی‌های سوداگری متعارف را دارند اما غیرقانونی محسوب می‌شوند، مثل رشوه، اختلاس، کلاه‌برداری مالیاتی و جرایم سطح بالا.

۴. جرایم علیه نظم عمومی^۱ شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی که بهبودی عمومی جامعه را تهدید می‌نمایند و اصول اخلاقی پذیرفته شده را به چالش می‌کشند، مثل روسپی‌گری و استفاده از مواد مخدر (گیدنز، ۱۳۸۱، ۱۷۹).

همچنین، هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس قانون قاچاق کالا و ارز و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، خواه در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود، قاچاق کالا یا ارز محسوب می‌شود. در این ارتباط، هر شیئی که در عرف، ارزش اقتصادی دارد کالا محسوب می‌شود و پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد، ارز نام دارد (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴، ۱۲-۱۱). همچنین، تشریفات قانونی عبارت است از: اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط که اشخاص موظفند طبق قانون و مقررات به منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز، انجام دهند (همان، ۱۲). بنابراین، قاچاق کالا و ارز به عنوان یک جرم ذیل جرایم اقتصادی قرار گرفته و خود جرایم اقتصادی دارای ویژگی‌هایی زیر هستند:

۱. در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای است و به‌طور عمده عاملان به دنبال سود هستند.
۲. به‌صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کند.
۳. باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد.
۴. مرتکبین به‌طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند (میر سعیدی، ۱۳۹۲، ۱۶۹).

1. public order crimes

امنیت اجتماعی:

واژه امنیت از امن گرفته شده و امن در اصل آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. امنیت در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است. بنابراین، معنای لغوی آن رهایی از خطر، تشویش، اضطراب، ترس یا احساس آرامش خاطر است. همچنین در معنای عینی نبود تهدید برای ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی، یعنی نبود ترس از اینکه ارزش‌های مزبور، مورد حمله قرار گیرد، است (بوزان، ۱۳۷۸، ۸۶).

منظور از امنیت، شناخت وضعیت رهایی از دغدغه و تعقیب ایمنی در پرتو مناسبات و تعاملات جاری بین نهادها و افراد است (نصیری، ۱۳۸۱، ۶). به عبارتی، منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین، امنیت حالتی از آسودگی مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض است (باپیری، ۱۳۹۴، ۷۶). طبق تعریف، امنیت دارای دو بعد است: بعد عینی (محافظت در مقابل خطر عینی) و بعد ذهنی (احساس ایمنی). دیدگاه بسیاری از کارشناسان، از میان این دو مولفه، احساس ناامنی حتی بدتر از خود ناامنی است. وقوع جرم یا پدیده ناامنی ممکن است یکی دو قربانی داشته باشد، اما همین حادثه ممکن است هزاران نفر را بترساند و شیوه زندگی و طرز تفکر آنها را تغییر دهد. احساس ناامنی می‌تواند عوارض و ضایعه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی برجا گذارد.

ابعاد امنیت:

انسان‌ها همواره به طرق مختلف درصدد محافظت از خود در مقابل تهدیدات، خطرها و آسیب‌ها بوده‌اند، اما در جوامع جدید و با توجه به گسترده شدن حیات اجتماعی، امنیت دارای گونه‌های مختلفی شده است. به عبارتی، می‌توان گفت امنیت در تمامی ابعاد محیط



زیست، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رخنه کرده است. در ادبیات موضوعی امنیت، طبقه‌بندی‌های مختلفی از امنیت به عمل آمده است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

- امنیت مالی (اقتصادی): امنیت اقتصادی به معنی نظم در بخش‌های مختلف اقتصادی است، به گونه‌ای که افراد را از احساس خطر تقلب، کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی و ... مصون می‌دارد. وجود امنیت در این بعد با شاخص‌هایی همانند سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه با مفاسد اقتصادی، ارتشا و ... است.
- امنیت جانی و روانی (سلامت): به معنی تضمین جسم و جان و روان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی است که مانع از ادامه حیات آنان شود.
- امنیت سیاسی: به معنی فراهم نمودن امکان اظهار نظر برای افراد، پیرامون چگونگی اداره جامعه و شرکت در این گونه امور، بدون احساس بیم و هراس است.
- امنیت اخلاقی: به معنی تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد است.
- امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی قابلیت حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب، و عرف با شرایط قابل قبولی از تحول است. بوری، امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد (بایبری، ۱۳۹۴، ۸۹-۷۸).

احساس امنیت

احساس امنیت، نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرامش‌بخش) شهروندان به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است (یاری، ۴۲، ۱۳۹۱). فرارو و لاگرنج^۱، احساس ناامنی را بیان‌کننده پیامدهای روانشناختی-اجتماعی می‌دانند (حاجلو، ۱۳۹۰، ۶۰). این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط

1. Ferraro & Lagrange

پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذار می‌باشند. از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت که عمده مضامینی که از طریق شهروندان و به عنوان احساس امنیت مطرح می‌شود با امنیت اجتماعی مرتبط است. احساس امنیت دارای ویژگی‌های زیر است:

- احساس امنیت، ذهنی است.
- احساس امنیت به خودی خود، قابل تعریف نبوده و بر مبنای بود و نبود خطر، قابل تعریف می‌شود.
- احساس امنیت یک فرایند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌کند.
- وجه ذهنی امنیت مهم‌تر از وجه عینی آن است.
- احساس امنیت، ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناختی فرد را سامان داده و پایه و بنیان وجود آدمی را در بر می‌گیرد (گیدنز؛ ۱۳۷۷، ۷۰).

رویکردهای نظری به امنیت

مرور تعاریف امنیت اجتماعی و ابعاد آن در آراء اندیشمندان نشان می‌دهد که تعاریف و ابعاد متعدد، مختلف و حتی گاهی متناقض است. هر چند این مفهوم به امنیت و اجتماع تکیه زده است، اما به نظر می‌رسد با نگرشی متفاوت از واژه‌های تشکیل دهنده آن می‌توان به این مفهوم نگریست. با این پیش، در ادامه به چشم‌اندازهای گوناگون در ارتباط با این مفهوم پرداخته می‌شود.

بوزان

باری بوزان^۱ مبدع اصطلاح امنیت اجتماعی است. وی این نوع از امنیت را از انواع

1. Barry Buzan

دیگر امنیت، امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی، متمایز و در عین حال به هم وابسته می‌داند. وی امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند. در واقع، وی امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد و مقصود از آن را چگونگی حفظ ارزش‌ها و هویت می‌داند. او منابع اصلی برای تأمین امنیت اجتماعی شامل هنجارهای اجتماعی یا ابزار کنترل درونی، کنترل بیرونی و گروه‌های هویتی می‌داند (بایبری، ۱۳۹۴، ۷۹).

از نظر بوزان، در مجموع تهدیداتی که امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازند، زمانی روی می‌دهند که جامعه ما به این نتیجه دست یابد که در شرایطی خاص، هویت آن‌ها (یعنی ما) مورد تعرض و خطر قرار گیرد. به عقیده بوزان عواملی که می‌تواند هویت یک جامعه را تهدید کند، ممکن است از آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آنان برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشد. بنابراین، برخی تهدیدات که متعرض امنیت اجتماعی می‌شوند ممکن است نظامی، اقتصادی، سیاسی و ... باشند (بوزان، ۱۳۸۷، ۳۴).

مولر

مولر^۱ معتقد است که امنیت ابعاد مختلف و گوناگونی دارد و با شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی تعریف و تقسیم‌بندی می‌شود. یک تقسیم‌بندی بر اساس شاخص مرجع امنیت است یعنی با تشخیص مرجع امنیت، موضوع آن مشخص می‌شود. به عنوان مثال، اگر مرجع امنیت فرد باشد می‌گوییم موضوع امنیت فردی است. معیار و شاخص دیگر تعیین مفهوم امنیت، ارزش‌هایی است که در معرض خطر قرار گرفته است. به عنوان مثال، ارزش‌های موجود در امنیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و دفاع از سرزمین است. هرگاه این ارزش‌ها به خطر می‌افتد امنیت ملی به خطر افتاده است. یا ارزش‌های مطرح در امنیت مالی، پول، سرمایه و مال هستند و هرگاه این ارزش‌ها در معرض خطر قرار گیرند امنیت مالی به خطر می‌افتد. لذا تعریف امنیت با توجه به

موضوعی که امنیت با آن مرتبط است، معنا می‌یابد (Moller, 2004, 9). ناامنی اجتماعی نیز از این منظر قابل تعریف و تمایز است. به عبارتی، ناامنی اجتماعی شامل تهدید علیه ارزش‌های موجود جامعه است. وقتی یک جامعه از تأمین حداقل امنیت برای یک زندگی معقول ناتوان است و منافع و حقوق اعضای آن از سوی افراد و گروه‌های مجرم، منحرف و بزه‌کار در معرض خطر قرار گیرد، در واقع جامعه یاد شده ناامن است. این تعریف از امنیت، به امنیت عمومی نزدیک است.

پارسونز

تالکوت پارسونز^۱ جامعه را مجموعه‌ای از خرده سیستم‌ها می‌داند. از نظر وی وقتی خرده سیستم‌ها به ایفای نقش‌های خویش بپردازند و آسیبی متوجه آنان نباشد، همچنین، امکان کسب فرصت‌ها برای انسجام آنان فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار می‌شود. وی برای امنیت اجتماعی چهار بعد در نظر گرفته است که هر کدام از آنها به یک خرده سیستم جامعه مربوط می‌شوند و از برآیند برخورداری از آنها می‌توان به تحقق امنیت در سطح جامعه امید داشت. پارسونز چهار بعد، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای امنیت اجتماعی قایل است و اخلاق در هر کدام از این ابعاد، کارکردهای اجتماعی را دچار اخلاق و کلیت اجتماعی را دچار عدم تعادل و پریشان حالی می‌کند. بنابراین، برای داشتن جامعه‌ای توأم با آرامش و اطمینان خاطر لازم است به هر چهار بعد آن توجه شود و با تضمین آنان، امنیت جامعه را فراهم نمود (باپیری، ۱۳۹۴، ۷۹).

گیدنز

آنتونی گیدنز^۲ امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان می‌داند. از نظر گیدنز امنیت موقعیتی است که در آن یک رشته خطرهای خاص، به حداقل کاهش یافته یا با آن مقابله

1. Talcott Parsons
2. Anthony Giddens

می‌شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت بالقوه و بالفعل ممکن است به مجموعه‌ای از آدم‌ها تا مرز امنیت جهانی یا به افراد ارتباط داشته باشد. به عبارتی، مصونیت در برابر خطر امنیت است. به نظر گیدنز خطر و امنیت دو روی یک سکه هستند، وجود یکی دیگری را نقض می‌کند و بالعکس. هنگام وجود خطر (تبعات قاچاق) امنیت معشوش و پنهان است (گیدنز، ۱۳۷۷، ۴۴)

از نظر گیدنز امنیت وجودی یکی از اشکال مهم احساس امنیت است. این اصطلاح به اطمینانی بر می‌گردد که بیش‌تر انسان‌ها به تداوم شخصیت و هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. امنیت وجودی با هستی در جهان سر و کار دارد، اما این امنیت نه پدیده‌ای شناختی، بلکه پدیده‌ای عاطفی است که در ناخودآگاه ریشه دارد (همان، ۱۱۲).

لومان

نیکلاس لومان^۱ تئوری امنیت خود را با تأکید بر طبقه‌بندی جهان به جهان فردی به حوزه آشنا و حوزه ناآشنا، معتقد است دنیای آشنا حیطه هنجارها و عادت‌هایی است که برای حفظ انسجام و تعیین سیستم اجتماعی کافی به نظر می‌رسد (یاری، ۱۳۹۱، ۴۳)

مونتسکیو

مونتسکیو^۲ جرم را اقدام علیه مذهب، اخلاق، آرامش عمومی و امنیت تلقی کرده و برای هر یک مجازات جداگانه‌ای را ضروری دانسته است.

از این جهت اولین شرط تحقق هر جرم یا پدیده جنائی آن است که بر خلاف نظم اجتماعی باشد. بنابراین، هر جرم خواه شدید یا ضعیف، لطمه و زیانی بر امنیت و نظم اجتماعی وارد می‌کند؛ و به علت همین اختلاف در نظم و امنیت است که جامعه به اشکال گوناگون از خود واکنش نشان می‌دهد. دومین شرط تحقق هر جرم آن است

1. Nicholas loman
2. Montesquieu

که توسط قانون بیان شود، چرا که نظم اجتماعی امری ثابت و دائمی نیست و چون برداشت مردم از آن در حال تحول است، برای جلوگیری از افراط و تفریط و حمایت و صیانت از آزادی افراد، ضروری است که اعمال ممنوعه و محل نظم و امنیت توسط قانونگذار بیان شود و واکنش جامعه و ضمانت اجرای لازم نیز دقیقاً روشن گردد. چون پدیده جنائی از جمله اعمالی است که ایجاب می‌کند از طریق کیفری با آن مبارزه شود، موضوع مطالعه حقوق کیفری قرار می‌گیرد.

خصوصیت مهم هر پدیده جنایی و یا جرم این است که جامعه را ناامن می‌کند و ترس از جرم را بر مردم مستولی می‌گرداند. در نتیجه امنیت در بخش‌های گوناگون، خصوصاً امنیت فردی و اجتماعی و در نتیجه نظم اجتماعی به مخاطره می‌افتد (محسنی، ۱۳۷۵، ۱۸).

تحلیل تأثیر مبادلات قاچاق بر امنیت اجتماعی و روانی مردم

آسیب‌های اجتماعی، دارای منابع و منشأهای گوناگونی بوده و دارای پیامدهای متفاوتی هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به ایجاد ناامنی فردی و اجتماعی اشاره کرد. به بیان دیگر، آسیب‌های اجتماعی از جمله مبادلات قاچاق اصولاً نشان‌کن کارکردی و نارسایی نهادهای مربوط و عدم ایفای نقش آن‌ها است. احساس امنیت تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که در ارتباط با نوشتار حاضر، تأثیرگذاری مبادلات قاچاق مفروض است.

مبادلات قاچاق به‌عنوان کنشی مجرمانه و هنجارشکن یکی از منابع ناامنی در جامعه است. مبادلات قاچاق به‌صورت مستقیم پیامدهای منفی بر قربانیان خود (به‌عنوان مثال ورود قاچاق کالا و از رونق افتادن کسب و کار) تحمیل می‌کند. علاوه بر این، سایر افراد جامعه نیز که ناظر و شاهد پیامدهای ناخوشایند مبادلات قاچاق بوده‌اند، دچار اضطراب، ترس و نگرانی شده و اصطلاحاً دچار ناامنی ذهنی یا روانی می‌شوند. به عبارتی، مبادلات قاچاق به‌صورت بالقوه و بالفعل بر ناامنی مؤثر است.

ضمن اینکه تأثیر مستقیم مبادلات قاچاق بر ناامنی روانی صریح و بدون ابهام است، به صورت غیرمستقیم، یکی از متغیرهای مهم و مؤثر بر احساس امنیت، اعتماد اجتماعی است. به عبارتی، یکی از مسیرهای شکل‌گیری احساس ناامنی در بین مردم، تحدید و فرسایش سرمایه اجتماعی به‌طور عام و اعتماد به‌صورت خاص متأثر از مبادلات قاچاق است. اعتماد مهم‌ترین مؤلفه نظم اجتماعی است. به گونه‌ای که با تأسی از آیزنشتات می‌توان گفت بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیرممکن است. در واقع، اعتماد اجازه می‌دهد که افراد به راحتی بدون واگم، اضطراب و تشویش خاطر با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و به واسطه همین تسهیل کنش است که از اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. بی‌نظمی اجتماعی و بی‌اعتمادی حاصل از آن، باعث می‌شود افراد دایره آسیب‌پذیری خود را وسیع‌تر تعریف کنند. این عامل باعث بالا رفتن ریسک اعتماد شده و در نتیجه احساس ناامنی را به همراه دارد.

در حالی که بررسی ادبیات موضوعی جرم دال بر آن است که شیوع و گسترش افعال مجرمانه و نابهنجار مانعی جدی در شکل‌گیری پایه‌های اعتماد در جامعه است، پژوهش‌های متعدد (چلبی، ۱۳۷۵؛ غفاری، ۱۳۸۳) از کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سطوح مختلف جامعه ایران حکایت دارد. بر اساس پیمایشی ملی در سال ۱۳۸۲، میزان اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به افراد حقیقی یا حقوقی ناشناس) در جامعه ایران ۱۴/۲ درصد گزارش شده است (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲). بر اساس پژوهش تجربی دیگری، بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت همبستگی مستقیم اثبات شده است (یاری، ۱۳۹۰، ۳۹). بدیهی است در چنین فضای بی‌اعتمادی و فقر سرمایه اجتماعی، مبادلات قاچاق به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد/تشدید بی‌اعتمادی بر ناامنی مؤثر است.

براساس مطالعه شاو و مکی^۱ سرمایه اجتماعی همبستگی منفی با میزان جرائم دارد

1. Shaw & Mackie

و ناامنی با فقدان سرمایه اجتماعی به لحاظ هنجاری تبیین می‌شود. همچنین مطالعه لینداستروم و همکارانش درباره میزان احساس امنیت و سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی درصد قابل توجهی از واریانس احساس ناامنی را تبیین می‌کنند (حاجلو، ۱۳۹۰، ۶۲).

به لحاظ تحلیلی، مبادلات قاجاق به شیوه‌های مختلف (اشتغال، درآمد، سلامت و ...) امنیت عینی شهروندان را به چالش می‌کشد. در چنین حالتی، شهروندان فضایی غیر قابل اعتماد را تجربه نموده و در فضای آنومیک قادر به تشخیص سره از ناسره نخواهند بود. در نتیجه، در گام بعدی ناامنی عینی درک شده در مرحله قبل، به ناامنی ذهنی (احساس ناامنی) تبدیل خواهد شد. ناامنی ذهنی همه‌گیرتر و عمیق‌تر خواهد بود. به گونه‌ای که در این حالت حتی افرادی که به صورت عینی ناامنی را تجربه نکرده‌اند به لحاظ ذهنی درگیر ناامنی خواهند شد (شکل ۱). علاوه بر این، مبادلات قاجاق به عنوان یک آسیب اجتماعی که آسیب‌های اجتماعی دیگر از جمله بیکاری، ناامنی شغلی، نارضایتی شغلی و ... را متأثر می‌سازد، نظم اجتماعی را مختل و ناامنی را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، فرد بیکار در معرض ابتلا به آسیب‌های اجتماعی دیگر است و در چنین شرایط هم‌افزایی، احساس ناامنی در جامعه تقویت می‌شود.

یکی دیگر از پیامدهای بلافصل فقدان امنیت اجتماعی ترس است. ترس به عنوان تغییری روان‌شناختی در کنار سایر متغیرهای اجتماعی، تأثیر زیادی بر احساس ناامنی دارد. ترس به مفهوم رنج و حرمان ناشی از ناامنی است که منجر به تولید حس ناامنی و آسیب‌پذیری در افراد می‌شود. معمولاً سه منبع برای ترس متصور است:

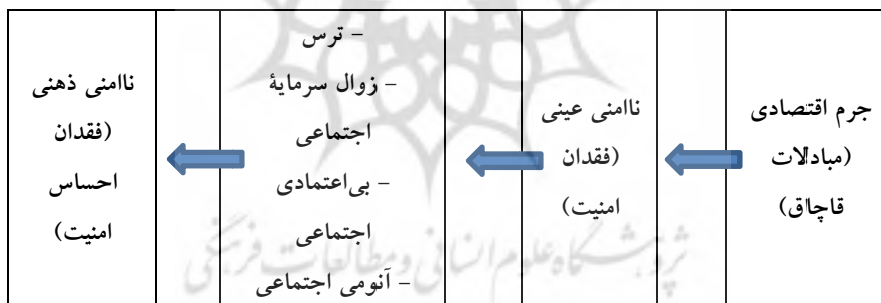
- شرایط و وضعیت‌های فردی مانند سن و جنس
- شرایط و وضعیت‌های محیطی همانند محیط زندگی، آب و هوا و..
- مشاهدات، تجربیات شخصی و مشاهده الگوها

بر همین اساس، حالت ترس از جرم چند بعد پیدا می‌کند و شامل ادراک شخصی افراد از تهدید، تجربیات شخصی آن‌ها و انگیزه‌ها و تمایلات عملی افراد می‌گردد. در

کل ترس از جرم (مبادلات قاچاق) وضعیتی خطرناک است که این وضعیت فرد را به تغییر رفتار تحریک می‌کند. به عنوان مثال، وقتی که یک فرد صدمات ناشی از داروی تقلبی را درک کند یا نقل قول‌هایی از اطرافیان و رسانه‌ها بشنود (درک آسیب ناشی از داروی قاچاق)، به درستی فرایند درمانی مشکوک و در حالتی از ناامنی و تشویش خاطر قرار می‌گیرد. به تعبیر روش‌شناختی رابطه‌ای مستقیم بین وقوع جرم، ترس از جرم و تامل وجود دارد.

به طور طبیعی هر اندازه احساس نگرانی و ناامنی درگیر شدن با مخاطرات مبادلات قاچاق در بین مردم بیشتر باشد و ذهن آنان را به خود معطوف دارد، انتظار و مطالبه مردم برای مهار فعل مجرمانه قاچاق بیشتر تر می‌شود.

شکل ۲. روابط نظری و مکانیزم‌های تأثیرگذاری مبادلات قاچاق بر احساس امنیت



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- مبادلات قاچاق به واسطه درگیر نمودن اقشار مختلف جامعه از زوایای مختلف، به‌عنوان یک پدیده با پوشش و اثرگذاری وسیع، امنیت شهروندان را تهدید می‌نماید. مبادلات قاچاق می‌تواند در عمل اشتغال، سلامت، رفاه و ... (ناامنی عینی) شهروندان را تحت الشعاع قرار دهد و به تبع احساس ناامنی را در

- لایه‌های مختلف جامعه نشر دهد.
- مبادلات قاچاق از مسیر کاهش نظم و سرمایه اجتماعی، امنیت و احساس امنیت اجتماعی و روانی شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. مبادلات قاچاق به‌عنوان یک جرم اقتصادی، نظم، اعتماد، روابط و انسجام اجتماعی را به چالش کشیده و در چنین فضای متقبض و ناپه‌نجان، افراد جامعه پایه‌های روابط اجتماعی‌شان را نامطمئن یافته و احساس ناامنی می‌کنند.
 - در فضای آکنده از مبادلات قاچاق، افراد در کنش‌های اقتصادی و اجتماعی خود (اشتغال، سلامت، رفاه و ...) احساس نابرابری، ناتوانی و بی‌کفایتی نموده و در نتیجه احساس ناامنی در روح و روان افراد جامعه نفوذ خواهد کرد.
- بر این اساس پیشنهاد می‌شود:
- در این نوشتار، مبادلات قاچاق به‌عنوان یک جرم اقتصادی و در نهایت در قالب یک آسیب اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود. در حالی که از این منظر، کم‌تر به این مسأله و کژکارکردهای آن توجه شده است، مبادلات قاچاق در مواردی حتی بیش از دیگر آسیب‌های اجتماعی باعث ناامنی در جامعه است. پیشنهاد می‌شود در مبارزه با این پدیده مخرب اصل تقدم رعایت شود. به‌عبارتی، در مواردی که افراد بیش‌تری از جامعه درگیر نوع خاصی از مبادلات قاچاق بوده یا اثر نامطوب نوع خاصی از قاچاق بر جامعه عمیق است، در برخورد عملی و جدی اصل اولویت لحاظ شود. به‌عنوان مثال، قاچاق داروهای قلبی در عمل، سلامت (امنیت جسمی) و اعتماد مردم به سیستم درمانی را به چالش کشیده و در نتیجه احساس ناامنی اجتماعی شدید را ناگزیر می‌نمایاند.
 - استقرار امنیت و احساس امنیت در یک جامعه نیازمند ساختاری است که در آن حداقل عناصری چون عدالت اجتماعی، رفاه، اشتغال، عدم اختلال اجتماعی و اقتصادی و ... وجود داشته باشد. در واقع امنیت، وضعیتی از تفوق نظم مبتنی بر قانون و عدالت در یک جامعه است. پیشنهاد می‌شود متولیان امر مبارزه با

قاچاق با کمک رسانه‌های جمعی و حتی شبکه‌های اجتماعی عزم جدی متولیان امر مبارزه با قاچاق، ساز و کارها و نتایج عینی این مبارزه را اطلاع‌رسانی واقع‌بینانه نمایند، تا ضمن اقتناع شهروندان ترس و اضطراب آنان را از حواشی پدیدۀ قاچاق تعدیل و در پرتو نظم اصلاح شده، سرمایه اجتماعی افزایش یابد و شهروندان احساس امنیت بیش‌تر نمایند. در همین ارتباط، بایستی توجه داشت از آنجایی که بزرگ‌نمایی جرم خود امنیت ذهنی مردم را به چالش می‌کشد، پیشنهاد می‌شود مسئولین امر مبارزه با قاچاق و ارباب رسانه‌های جمعی، ضمن اطلاع‌رسانی از اقدامات عملی و نتیجه‌بخش مبارزه با قاچاق، از برجسته‌سازی غیر لازم و پیامدهای آن به منظور حفظ بهداشت روانی و امنیت ذهنی مردم خوداری و در این ارتباط با تأمل کافی عمل نمایند.

- سرمایه اجتماعی بر اساس مناسبات دوجانبه مبتنی بر اعتماد شکل می‌گیرد. به عبارتی، لازمه افزایش احساس امنیت شهروندان در پرتو سرمایه اجتماعی، نیازمند این است که شهروندان اثرات عینی مبارزه با قاچاق در عرصه اجتماع را به صورت عینی دیده یا شنیده و درک نمایند و مهم‌تر از همه، به درستی عملکرد سیستم مبارزه با امر قاچاق اعتماد نمایند. به گونه‌ای که دیگر برای تقلبی بودن کالا یا خدمت در اختیار گرفته یا تصمیم به سرمایه‌گذاری در تولید یک کالا یا خدمت دغدغه نداشته و احساس ناامنی نکنند.
- کاهش نابرابری‌های اجتماعی به واسطه کوتاه کردن دست قاچاق‌چیان در دور زدن قانون و کسب ثروت‌های هنگفت، به بهای به خطر انداختن امنیت شهروندان، از رهگذر برخورد بدون اغماض با آنان به افزایش حس اعتماد و سرمایه اجتماعی و افزایش احساس امنیت در بین شهروندان کمک می‌کند. چرا که بر اساس فرضیه آسیب‌پذیری، آن‌هایی که خود را آسیب‌پذیرتر تلقی می‌کنند، احساس ناامنی بیش‌تری دارند.

منابع

کتاب

- یوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۴)، مجموعه قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آیین‌نامه‌های آن.
- Moller, Bjorn (2005), the United Nations, as a security political actor with a special focus on Africa, Printed in Denmark by Vesterkopi AS.

مقالات و پژوهش‌ها

- افشانی، سیدعلیرضا و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر یزد»، دو فصلنامه علمی و پژوهشی تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- یاپیری، امید علی و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان»، فرهنگ ایلام، شماره ۴۶ و ۴۷.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد (۱۳۸۲)، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم.
- حاجلو، نادر و عباسی، رسول (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی نوجوانان و جوانان اردبیل در استان اردبیل»، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، سال ۱، شماره ۱.

- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی، شماره ۲۲: ۳-۴۴.
- میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۴، ۱۹۹-۱۶۷.
- تصیری، قدیر (۱۳۸۱)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، فصلنامه راهبرد، ۲۶.
- یاری، حامد و هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۱، شماره ۴.
- یوسفی، نریمان (۱۳۹۵)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق»، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی